

منع کار اجباری در اسناد داخلی و بین المللی

حسین صیادعبدی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران، تهران، ایران. hossein.sayadabdi@ut.ac.ir

خلاصه

منع هرگونه کار اجباری یکی از چهار حق مندرج در اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار (۱۹۹۸) سازمان بین المللی کار است. این حق به جهت ماهیت و مصادیقی که دارد، ارتباطی ناگسستنی با حیثیت و کرامت انسانی و متعاقب آن با حقوق بشر پیدا می‌کند لذا بررسی دقیق این حق، حداقل از منظر حقوق بشر، ضروری ایجاب می‌نماید. این پژوهش با نظر به اسناد بین المللی که به طور خاص در این حوزه منتشر شده‌اند و نیز اسناد داخلی به‌ویژه قانون اساسی، ماهیت و مصادیق حق مزبور را مورد بررسی قرار داده است. سرانجام به نظر می‌رسد که تطابق معتناهی میان این اسناد داخلی و بین المللی وجود دارد.

کلمات کلیدی: اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار، حقوق بشر، قاچاق انسان، کار کودک، مقاله نامه شماره ۲۹، مقاله نامه شماره ۱۰۵، منع هرگونه کار اجباری

۱. مقدمه

منع هرگونه کار اجباری، حقی است که به عنوان یکی از چهار حق مندرج در اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار (۱۹۹۸) سازمان بین المللی کار قرار دارد [1]. این حق همچنین در اساسنامه سازمان بین المللی کار مورد اشاره و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در دو اصل (۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳) صریحاً مورد عنایت قرار گرفته است. این حق پیوندی انفکاک‌ناپذیر با حیثیت و کرامت انسانی برقرار می‌کند. اجبار افراد به انجام کار، آزادی ایشان را مخدوش می‌سازد و سلب آزادی انسان برابر با از میان رفتن کرامت اوست. حق بر کار در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به روشنی پیش‌بینی شده به همین دلیل منع هرگونه کار اجباری حقی است که به واسطه‌ی ارتباطش با حیثیت و آزادی بشر و نیز حق کار، پیوندی عمیق با حقوق بشر برقرار می‌سازد.

در این پژوهش با بررسی اسناد داخلی و بین المللی که به طور خاص در این حوزه منتشر شده‌اند، در ابتدا به ماهیت و چیستی و مصادیق و موارد تعلیق و محدودیت‌های منع هرگونه کار اجباری پرداخته می‌شود و سپس میزان همخوانی اسناد داخلی با اسناد بین المللی تبیین می‌گردد.

این وجیزه چنین سامان یافته است که ابتدا به تعریف کار اجباری پرداخته می‌شود تا ماهیت آن شناخته گردد. در مبحث بعدی، فهرست‌وار، به منابعی که این حق در آن‌ها قید گردیده اشاره می‌شود. سپس به تشریح مصادیق خاص کار اجباری توجه شده و در نهایت محدودیت‌ها و موارد تعلیق کار اجباری بررسی می‌گردد.

۲. تعریف

تعریف کار را باید در اقتصاد جستجو کنیم. اجمالاً می‌توان گفت، کار عبارت است از هرگونه فعالیت اقتصادی که به تولید یا ارائه خدمتی منجر شود. اجباری بودن، که بار حقوقی آن بیش از واژه‌ی کار می‌باشد، در اسناد و آرا به نحوی مورد تعریف قرار گرفته است. در بند ۳ ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ به منع کار اجباری و اعمال شاقه اشاره شده اما در آنجا کار اجباری یا اعمال شاقه تعریف نگشته است. مقاله نامه شماره ۲۹ سازمان جهانی کار^۲ (که از این پس ایلو خوانده خواهد شد) تعریف نسبتاً مناسبی از اجباری بودن کار بدین شرح ارائه داده است: هرگونه کاری که با تهدید و مجازات و بی آنکه شخص ذی نفع به میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد، به وی تحمیل گردد. ماده ۱ مقاله نامه شماره ۱۰۵ ایلو علاوه بر موارد فوق به اجبار تحمیل شده بر فرد برای انجام خدمات فکری (همانند آموزش) در جهت انتقال افکار سیاسی مخالف حکومت وقت نیز اشاره می‌کند. دیوان اروپایی حقوق بشر در رای دو معیار را برای اجباری بودن کار ذکر می‌کند؛ اول اینکه بر خلاف میل و رضایت فرد بر او بار شود و ثانیاً اجبار ناعادلانه و مشقتی اجتناب ناپذیر و محنتی اضافی باشد. البته دیوان مزبور اشاره می‌کند که فشار روحی و جسمی، کار اجباری نیست. پس به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، هرگونه کاری که بر خلاف میل افراد بر آنها تحمیل گردد کار اجباری است.

در ادامه لازم است تا به نکاتی چند در باب تعریف کار اجباری اشاره شود. نخست آنکه تهدید و مجازات از قبیل سلب کار، عدم ارتقا شغلی، محرومیت از مسکن و دیگر موارد این چنینی نیز می‌تواند از مصادیق تحمیل بر خلاف رضایت شخص تلقی گردد و بدین وسیله کار، اجباری باشد. نکته دیگر اینکه پرداخت دستمزد اجباری بودن کار را نفی نمی‌کند. و در پایان باید ذکر شود که چنانچه کاری داوطلبانه باشد دیگر نمی‌توان آن را اجباری نامید مگر اینکه عدول از حداقل‌هایی همانند ایمنی محیط کار، عدم مسئولیت کارفرما، کار کودک یا... رخ دهد [2].

۳. منابع

در این گفتار منابعی که منع کار اجباری در آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته است، فهرست‌وار ذکر می‌شوند. منابع بین المللی در این موضوع شامل این موارد می‌گردد: اساسنامه ایلو - اعلامیه جهانی حقوق بشر - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (= میثاقین) - اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار ۱۹۹۸ ایلو -

^۱ الف) هیچکس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

^۲ ILO (International Labour Organization)

مقاله نامه های شماره ۲۹ و ۱۰۵ (این دو مقاله نامه به منع هرگونه کار اجباری اختصاص دارند) و ۸۷ و ۱۰۰ و ۱۱۱ و ۱۳۸ و ۱۸۲ [3].

منابع داخلی شامل بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی^۱ (در رابطه با کرامت و ارزش والای انسان)، اصل ۲۸ قانون اساسی^۲، بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی^۳، مواد ۶ و ۱۷۲ قانون کار^۴ می شود. نکته حائز اهمیت آن است که ماده ۶ قانون کار در فصل اول، یعنی اصول راهبردی قرار دارد. این ماده با آوردن عین اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی^۵ کار اجباری را منع نموده. با عنایت به این نکته که ماده مزبور در فصل اصول راهبردی قانون کار واقع شده است، پس باید آن را همانند شبیحی در نظر گرفت که بر کلیه قواعد دیگر حقوق کار سایه می افکند.

۴. مصادیق کار اجباری

علاوه بر تعریف انجام گرفته که می توان از آن به عنوان سنگ محکی برای تشخیص کار اجباری از غیر آن بهره برد، مصادیقی وجود دارند که به علت اهمیت شان، فی نفسه کار اجباری محسوب می شوند و دولت ها ملکفاند در جهت منع آنها اقدام کنند.

۴.۱. کار اجباری کودکان

سابقاً شرایط زندگی ایجاب می کرد تا فرزندان اعم از پسر یا دختر، در کنار پدر یا مادر خود کاری را که ایشان به آن اشتغال داشتند یاد بگیرند و غالباً فرزندان ادامه دهنده ی شغل پدری خود بودند. هم اینک نیز چنین روندی در برخی موارد ادامه دارد و نمی توان بر این امر ایرادی وارد نمود اما آنچه که کار کودک را به عنوان کار اجباری مطرح می سازد، وقایع پس از انقلاب صنعتی بود. اوضاع و احوال این انقلاب موجب شد تا زمینه بهره کشی از کودکان پدید آید [4].

یونیسف در بیانیه ای همه کارها را برای کودکان منع شده نمی داند بلکه فعالیت هایی که رشد روانی و جسمانی و فرهنگی کودک را مختل سازند، منع خواهند شد و در این زمینه ۹ مورد را احصا می کند:

(۱) کار تمام وقت در سن بسیار کم

(۲) ساعات طولانی کار

(۳) کار مستلزم فشار جسمی، اجتماعی یا روانی

^۱ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا . . .

^۲ هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند . . .

^۳ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

^۴ ماده ۶: . . . اجبار افراد به کار معین و بهره کشی از دیگری ممنوع و . . .

^۵ ماده ۱۷۲: کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل ممنوع است و . . .

^۶ اصل ۱۳: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

^۷ اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

- (۴) کار و زندگی در خیابان یا شرایط نامطلوب
 (۵) کار مستلزم مسئولیت بیش از حد
 (۶) کار در قبال مزد بسیار کم
 (۷) کار مانع تحصیل
 (۸) کار نابود کننده عزت و شرف کودک
 (۹) کار مضر برای رشد کامل اجتماعی و روانی کودک

در رابطه با اقدامات دولت در جهت حمایت از کودکان، بند ۳ ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ تکالیفی را بر دولت‌ها بار می‌کند [5].

ایلو نیز مقاله‌نامه‌هایی در مورد حداقل سن کودکان برای کار منتشر کرده است که می‌توان از مقاله‌نامه شماره ۱۶۲، موسوم به کنوانسیون محو بدترین اشکال کار کودک، در سال ۱۹۹۹ به عنوان مهمترین آن‌ها نام برد، که این مقاله‌نامه حداقل سن برای کارهای خطرناک را ۱۸ سالگی قرار داده است. تا سال ۲۰۰۶، ۱۶۲ کشور به این مقاله‌نامه پیوسته‌اند. در قانون ایران، ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، برای کار کودک، ۳ ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس یا تا یک میلیون تومان جزای نقدی مقرر کرده است. در قانون کار مواد ۷۹ تا ۸۴، تحت عنوان شرایط کار نوجوانان به این مبحث پرداخته است. در قانون اساسی اصل مستقلی درباره‌ی این موضوع وجود ندارد ولی از اصل ۳۰ قانونی اساسی^۲ می‌توان برداشت کرد که فرض قانون اساسی بر این بوده است که تا پایان دوره متوسطه، شخص نباید به کار گمارده شود. سایر مصادیق کار اجباری کودکان، در ادامه مورد مذاقه قرار می‌گیرند [6].

۴.۱.۱. ممنوعیت واداشتن کودک به ازدواج اجباری

مواردی وجود دارد که والدین، کودک را به علت بدهی تزویج می‌کنند. این موضوع نوعی برده داری و تجارت جنسی است. در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ازدواج آزاد مورد اشاره قرار گرفته است. بند ۳ ماده ۱۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز بر ازدواج با رضایت تاکید می‌کند. شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سرالئون در رای‌ی ازدواج اجباری را از مصادیق جنایت علیه بشریت به شمار آورده است.

^۱ ماده ۱۰: دولت‌های طرف این میثاق قبول دارند که: ... (۳) تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه‌ی اطفال غیرممیز و ممیز بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیر ممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهت اخلاقی یا سلامت آنان زیان آور است یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد. دولت‌ها همچنین باید برای اشتغال موظف اطفال به کار حدود سنی قائل شوند که کمتر از آن به موجب قانون ممنوع و قابل مجازات باشد.

^۲ دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۴.۱.۲. بکارگیری کودکان در درگیری‌های مسلحانه

اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (= ICC) چنین عملی را جرم جنگی تلقی می‌کند. بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک^۱ به تعهد دولت‌ها بر ممانعت حضور کودکان در مخاصمات و عدم استخدام افراد زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح و اولویت بزرگترها در میان افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله، اشاره می‌نماید. همین موضوع در پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو راجع به حمایت از قربانیان در منازعات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی ۱۹۷۷ نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک حداقل سن را در این باره تا ۱۸ سال افزایش می‌دهد. در ایران خدمت نظام وظیفه عمومی برای ذکور، از ۱۸ سالگی ضرورت می‌یابد و استخدام در نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) در مواردی از ۱۶ سالگی امکان پذیر است. با توجه به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک به نظر می‌رسد که قانون ایران با نظام بین المللی هماهنگ نیست اما صرف استخدام در نیروهای مسلح تعارضی با اسناد پیش‌گفته ایجاد نخواهد کرد بلکه بکارگیری کودک در مخاصمات مسلحانه منع گردیده است.

۴.۱.۳. منع تجارت کودکان

تجارت کودکان شامل مصادیقی از قبیل فروش اعضای بدن کودک یا جابه‌جایی مواد مخدر توسط کودک می‌گردد. فروش، کودک را مال تلقی می‌کند و این خلاف مواد ۱ و ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و خلاف کرامت و حیثیت ذاتی انسان می‌باشد. ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک اقدامات چند جانبه دولت‌ها برای ممانعت از این عمل را قید کرده است. در حقوق ایران ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان برای این موضوع ۶ ماه تا یکسال حبس یا جزای نقدی از یک تا دو میلیون تومان را مقرر نموده است.

۴.۱.۴. بندگی به علت بدهی

در عناوین بعدی به تشریح بیشتر این امر پرداخته خواهد شد.

۱ . . . ۲- کشورهای عضو، کلیه اقدامات امکان پذیر را به عمل خواهند آورد تا تضمین کنند که اشخاصی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در مخاصمات شرکت مستقیم نداشته باشند. ۳- کشورهای عضو از پذیرش اشخاصی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در نیروهای مسلح خود اجتناب خواهند کرد. در پذیرش اشخاص بین ۱۵ سال و ۱۸ سال، کشورهای عضو تلاش خواهند نمود اولویت را به آن‌هایی دهند که سن بیشتری دارند.

۲ ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

۳ ماده ۴: احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

در ماده ۱ کنوانسیون الغا بردگی، معاهده بردگی ۱۹۲۶ و کنوانسیون ۱۹۹۹ محو بدترین اشکال کار کودک این مسئله منع گشته است.

۴.۲. کار اجباری افراطی زندانیان

به طور کلی پذیرفته شده که دولت متولی خدمات عمومی است و در راستای تامین خدمات عمومی، بخشی از اجرای این مهم را به زندانیان واگذار می‌کند، به علاوه اینکه این امر می‌تواند در اصلاح و فن آموزی و ایجاد شرایط بازگشت به جامعه برای زندانیان موثر باشد. پس به نظر می‌رسد که کار اجباری برای زندانیان از منظر منطقی و جامعه شناختی قابل توجیه باشد اما آنچه که سبب می‌گردد تا این عمل نقض اصول و حقوق بنیادین کار و متعاقب آن نقض حقوق بشر باشد، افراط در کار اجباری و فراتر رفتن اعمال این موضوع از قوانین و مقررات است [7].

گزارشی که در سال ۲۰۰۱ توسط دفتر بین المللی کار منتشر شد شرایط صحت کار اجباری برای زندانیان را بدین

شرح تبیین می‌کند:

- (۱) تحت نظارت و کنترل نهادی دولتی باشد.
- (۲) زندانیان در موسسات خصوصی مورد بهره‌کشی قرار نگیرند. (البته با توجه به خصوصی شدن برخی زندان‌ها در بعضی کشورها به نظر می‌رسد پیشبرد کار اجباری زندانیان در زندان‌های خصوصی نیز مورد قبول واقع گردد اما همچنان این عمل باید تحت نظارت حکومت مرکزی و زندان خصوصی به وی پاسخگو باشد)
- (۳) طبق اصول خاصی من جمله ساعات کار غیر طولانی صورت پذیرد.
- (۴) توان جسمی زندانی برای انجام کار محوله در نظر گرفته شود.
- (۵) بهداشت محیط کار رعایت گردد.
- (۶) کار متناسب با شأن و جرم ارتكابی محکوم باشد.
- (۷) انجام کار اجباری با حکم دادگاه باشد. (مراجع غیر قضایی و اداری صلاحیت صدور چنین حکمی را ندارند)
- (۸) محکوم، مجرم سیاسی یا مذهبی نباشد. (در واقع برای مجرمان سیاسی یا مذهبی کار اجباری وجود ندارد)

۴.۳. قاچاق انسان

واژه قاچاق در لغت به معنای گریزانیدن، فرار یا فراری دادن و یا ترک وطن می‌باشد. این واژه در اصطلاح به معنای عمل حقوقی (به طور خاص خرید و فروش) غیر قانونی و پنهانی [8] است. قاچاق انسان یعنی بهره‌کشی (اعم از جنسی، ازدواج اجباری، برداشتن اعضای بدن و یا کار اجباری) سازمان یافته^۱ به قصد سود و منفعت اقتصادی^۲.

^۱ عنصر مادی قاچاق انسان

^۲ عنصر معنوی قاچاق انسان

زمانی که صحبت از قاچاق انسان به میان می‌آید، عمدتاً قاچاق زنان و کودکان با هدف تمتع جنسی یا بیگاری مدنظر است. قاچاق انسان از سایر اشکال کار اجباری به دلیل سازمان یافته بودن خطرناک‌تر است. می‌توان ادعا نمود که در طول ۴ قرن برده‌داری حدود یازده و نیم میلیون برده در آمریکا وجود داشت ولی تنها در ۴ دهه گذشته ۳۰ میلیون زن و کودک مورد قاچاق قرار گرفته‌اند.

ناگفته نماند که قاچاق انسان در معنای خاص خود با قاچاق مهاجران تفاوت دارد.

به طور کلی انجام سازمان‌یافته‌ی اعمال مالکیت نسبت به کسی (= بردگی)، اجبار به خدمت در مقابل دین، ازدواج اجباری، واگذاری زن در قبال وجه به دیگری، به ارث رسیدن زن پس از مرگ شوهر یا واگذاری کودک، قاچاق انسان تلقی می‌شود [9].

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ پروتکل الحاقی پیشگیری و سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، مکمل کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته‌ی فراملی را تصویب می‌کند که در ماده ۱ این پروتکل قاچاق انسان بدین شرح تعریف می‌گردد: استخدام، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص به وسیله تهدید یا توسل به زور یا دیگر اشکال تحمیل و اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوء استفاده از وضعیت آسیب پذیری با دریافت یا پرداخت مبالغ یا منافع جهت کسب رضایت شخصی که بر شخص دیگر کنترل دارد، به منظور بهره کشی جنسی، کار یا خدمات اجتماعی، به بردگی گرفتن، بیگاری، استثمار یا استخراج اعضای بدن.

در ایران، ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۱۳۸۳، قاچاق انسان را بدین شرح تعریف می‌کند:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضای بدن و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

به نظر می‌رسد که قانون ایران با پروتکل الحاقی سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی تا حد زیادی مطابقت دارند. با این حال قانون ما از دو ضعف رنج می‌برد؛ اول اینکه از قربانی جرم، حمایتی صورت نمی‌پذیرد به نحوی که گویی بزه دیده خود، مجرم است و این امر می‌تواند علت اصلی عدم همکاری قربانیان این جرم با نهادهای پیگیر، همانند پلیس، باشد. دوم اینکه طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، بخشی از جرم باید در خارج از مرزهای کشور ارتکاب یابد (جرم، فرامرزی است) و چنانچه چنین عملیاتی در داخل کشور انجام گیرد دیگر عنوان قاچاق بر آن صدق نمی‌کند. این مسئله در کنوانسیون اتحادیه آسیا شرقی نیز مورد مذاقه قرار گرفته از این رو، داخلی بودن انجام چنین عملی در کنوانسیون مذکور قاچاق تلقی شده است. در ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان اعمال در حکم قاچاق انسان بیان شده‌اند. در واقع گرد هم آوردن تعدادی از افراد در صورتی که موفق به محقق ساختن هدف خود نشده باشند در حکم قاچاق است. به علاوه، نقل و انتقال افراد به قصد فحشا ولو با رضایت خودشان و حمل یا انتقال افراد با هدف فحشا و یا سایر مقاصد هرچند به صورت سازمان یافته نباشد در حکم قاچاق تلقی می‌گردد. به طور کلی در صورت فقدان هر یک از عناصر سازمان یافتگی، فراملی بودن، اجبار و اکراه و تهدید و سوءاستفاده از قدرت یا وضعیت شخص، آن عمل در حکم قاچاق محسوب می‌شود.

۴.۴. سایر مصادیق کار اجباری

مصادیق پیش گفته از مهم ترین و شایع ترین مصادیق کار اجباری بودند لذا با تفصیل به آن ها پرداخته شد. مصادیقی که در ادامه خواهند آمد، به جهت اهمیت و شیوع کمتر، بالا جمال تبیین می گردند.

۴.۴.۱. اجبار به مشارکت در خدمات عمومی

این امر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بسیار رایج است که از نیروی کار در امور ملی قهرآ استفاده می کنند؛ برای مثال در سال ۲۰۰۰ در ویتنام قانونی وجود داشت که مردان زیر ۴۵ سال و زنان زیر ۳۵ سال باید سالانه ۱۰ روز برای دولت در زمینه کشت یا جاده سازی کار می کردند. این کار ۱۰ روزه حداقل مزد و بیمه را داشت ولی همچنان اجباری محسوب می گردید.

در ایران، آیین نامه اردوهای هجرت، مصوب ۱۳۸۵ هیئت وزیران، وجود دارد که با توجه به داوطلبانه بودن شرکت در این اردوهای جهادی، وصف کار اجباری در مورد آن ها صدق نمی کند.

۴.۴.۲. کار امانتی یا بردگی به علت بدهی

منابع این موضوع در بند ۴.۱.۴ ذکر گشت. در باب توضیح این مسئله باید گفت که شخصی در ازای دادن وام، از طرف مقابل می خواهد تا به جهت بازپرداخت آن برای او کار کند اما بهره ی این وام به گونه است که هیچگاه چنین وامی پرداخت نخواهد شد لذا به بردگی و استثمار طرف وام گیرنده (= انجام دهنده ی کار) می انجامد [10].

۴.۴.۳. کارگران خانگی

عدم وجود قرارداد میان کارگر و کارفرما و فقدان نظارتی بر این نوع کار اجحاف و حتی خشونت فراوانی علیه کارگران خانگی روا می دارد. این شرایط برای کودکان بسیار وخیم تر است چه ایشان را از تفریح و تحصیل نیز محروم می گرداند.

۵. محدودیت ها و موارد تعلیق

در مواردی کار اجباری لازم و واجب می‌نماید و در عین حال مطابق قواعد حقوق بشر نیز می‌باشد. این امور را تحت عنوان موارد محدودیت و تعلیق ممنوعیت کار اجباری می‌شناسیم.

در بند ۲ ماده ۱ مقاله نامه شماره ۲۹ ایلو این موضوعات درج گشته اند: ۱. خدمت نظام وظیفه عمومی ۲. تعهدات مدنی ۳. محکومیت در دادگاه ۴. فورس ماژور (موارد اضطراری) ۵. کار جزئی و عمومی و موقتی و استثنایی که به نفع مستقیم یک جامعه و منحصرأ برای مقاصد عمومی از طرف خود اعضای جامعه انجام پذیرد.^۱

۵.۱. خدمت نظام وظیفه عمومی

بند ۲ ماده ۱ مقاله نامه شماره ۱۰۵ ایلو، کار اجباری در بسیج عمومی به منظور توسعه اقتصادی را منع کرده و صرفاً در امور نظامی با توجیه دفاع از کشور در قالب خدمت نظام وظیفه عمومی این مسئله را پذیرفته است. البته چنانچه شرایط اضطراری پیش آید، بسیج عمومی مجاز به نظر می‌رسد.

در مورد پرسنل نیروهای مسلح، جزئیات پیش‌گفته صدق نمی‌کند چرا که پرسنل باید به وظیفه قانونی‌شان عمل کنند [11]. این موضوع در نظام حقوقی ایران صراحتاً در اصل ۱۴۷ قانون اساسی^۲ مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین این امکان وجود دارد تا از دانش و اطلاعات جوانان حین انجام خدمت نظام وظیفه عمومی در جهت توسعه اقتصادی-اجتماعی استفاده شود (همانند سرباز معلم یا امریه در نظام حقوقی ایران). اگر این امر با رضایت فرد، موقتی و استثنایی باشد، مجاز است و در غیر این صورت امکان پذیر نمی‌باشد.

۵.۲. تعهدات مدنی

تعهدات مدنی شامل مصادیقی از قبیل هیئت منصفه، پرداخت مالیات، سرشماری آرا در کمک به انتخابات عمومی، تعهد به انجام خدمات پزشکی رایگان، خدمات آتش نشانی اجباری، تعهدات تحمیلی بر شرکت‌ها به منظور بهبود کیفیت کالا و ... می‌گردد.

کار فیزیکی یا فکری و نیز مدت زمان و مکان فعالیت در این تعهدات باید به طور دقیق معین شود. تفسیر موسع از این تعهدات و استفاده از اشخاص به منظور تسریع پیشرفت ممنوع است [12].

^۱ به جز موضوع پنجم، چهار موضوع دیگر در ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز درج شده است.

^۲ دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند، در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

۵.۳. محکومیت در دادگاه

از آنجایی که در برخی موارد، زندان در شأن مرتکب آن جرم نیست و نیز تحمل زندان می‌تواند عواقب سوء بر زندگی و آینده مرتکب داشته باشد، به جای مجازات حبس، کار اجباری به عنوان مجازات در نظر گرفته می‌شود. برخلاف سایر موارد محدودیت و تعلیق، این مسئله با طیب خاطر پذیرفته و در مقاله نامه شماره ۲۹ گنجانده شد.

در قانون ایران ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در بند «د» خدمات عمومی و در بند «ز» یادگیری حرفه یا شغل را مقرر کرده است. این موضوع در نظام حقوقی ما تحت عنوان مجازات تکمیلی و تبعی (= تشدید مجازات) جای گرفته. برخی نظامات حقوقی، کار اجباری به عنوان محکومیت در دادگاه را با مبنای نظری حق و برخی دیگر با مبنای نظری تکلیف توجیه می‌کنند.

۵.۴. فورس ماژور (اضطرار)

منظور از فورس ماژور یا شرایط اضطراری، فاجعه یا امکان بروز فاجعه است. در واقع فورس ماژور عبارت است از وضعیت فوق العاده‌ای که دولتی برای ادامه حیات سیاسی خود و نیز برای مقابله با برخی شرایط استثنائی و غیر مترقبه مجبور به اعمال برخی محدودیت‌ها می‌گردد. عملاً در مفهوم اضطرار اجباری نهفته است که انسان را تسلیم می‌کند [13].

در ایران نهاد بسیج مستضعفان وجود دارد که با توجه به وصف داوطلبانه بودن در اعمال این نهاد، کار اجباری درباره‌ی آن مصداق پیدا نمی‌کند.

به دلیل عدم سوءاستفاده کشورها از این حالت، ایلو دول را مکلف کرده است تا فورس ماژور یا وضعیت فوق العاده به «چیزی شدیداً ضروری» تعبیر گردد و قوای داخلی نیز ملزم به رعایت این حدود هستند.

۵.۵. خدمات عمومی جزئی

این کارها شامل مسائلی از قبیل تعمیر و نگهداری، پاکیزگی روستا یا رودخانه‌ها و در موارد استثنائی، ساخت و ساز برخی ساختمان‌ها (نظیر مدرسه کوچک یا اتاق درمان)، راه‌های فرعی، آبشخور، گورستان و قنات می‌گردد.

در ایران معادلی برای این امر وجود ندارد.

در مواد ۱۰ و ۱۱ مقاله نامه شماره ۲۹ ایلو مقررات این خدمات جزئی عمومی آمده است که در ادامه به آن‌ها

اشاره می‌شود. این کارها باید:

- در جهت منفعت مستقیم جامعه باشد نه یک گروه خاص یا حتی یک شهر؛
- به اشتغال عادی مردم تجاوز نکند؛

- وسعت و ساعت کار به قدری محدود باشد که بتوان آن را جزئی نامید؛
- شورای روستا یا ماموران محلی در تشویق اعضا به کار نباید فرد یا جمع را تحت فشار قرار دهند یا افراد را اجبار به کار برای شرکت یا شخص حقوقی خصوصی کنند؛
- نفع مستقیم و عمده‌ای عاید افراد انجام دهنده گردد؛
- فوریت و لزوم داشته باشد؛^۱
- به استعداد و تعداد و قدرت کارگران توجه شود و کار بر آن‌ها تحمیل نگردد؛
- کارگران را از محل سکونتشان دور نکند؛
- با زندگی اجتماعی و فعالیت محلی ایشان مناسبت داشته باشد؛
- سن کارگران ۱۸ تا ۴۵ سال باشد؛
- معلمان و دانش‌آموزان و کارمندان اداری از این مسئله معاف هستند؛
- هفته‌ای یک روز، بنابر عرف آن مکان تعطیلی وجود داشته باشد؛
- سالانه بیش از ۶۰ روز نباشد.

نتیجه گیری

به طور کلی کار اجباری را می‌توان به هرگونه فعالیت که بر خلاف رضایت اشخاص بر آن‌ها تحمیل می‌گردد، اطلاق کرد. فارغ از این تعریف، به عنوان سنگ محکی کلی برای شناخت کار اجباری از غیر آن، کار اجباری کودکان، کار اجباری افراتی زندانیان، قاچاق انسان، اجبار به مشارکت در خدمات عمومی، بردگی به علت بدهی و کار کارگران خانگی از مصادیق بارز کار اجباری محسوب می‌شود. کار اجباری در مواقعی لازم و واجب می‌نماید و در عین حال مطابق قواعد حقوق بشر نیز می‌باشد. این موارد شامل خدمت نظام وظیفه عمومی، تعهدات مدنی، محکومیت در دادگاه، فورس ماژور (موارد اضطراری) و کار جزئی عمومی و موقتی و استثنایی که به نفع مستقیم یک جامعه و منحصراً برای مقاصد عمومی از طرف خود اعضای جامعه انجام پذیرد، است. منع هرگونه کار اجباری به طور خاص در اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار (۱۹۹۸) سازمان بین المللی کار و مقاله‌نامه‌های شماره ۲۹ و ۱۰۵ آن سازمان قید گردیده و در اسناد داخلی، بیشترین سهم عنایت به این حق، متوجه قانون اساسی و قانون کار ایران است. قواعد داخلی تا حد زیادی با قواعد بین المللی در این موضوع همخوانی و مطابقت دارند به نوعی که جز در مواردی که صرفاً در جامعه بین المللی و اسناد جهانی مصداق آن یافت می‌شود، در سایر امور، اسناد داخلی جمهوری اسلامی ایران با مستندات جهانی انطباق و هم‌پوشانی دارند.

^۱ فوریت و لزوم باید به وقوع پیوسته باشد پس به بهانه‌ی لزوم انجام چنین خدماتی در آینده نمی‌توان اشخاص را در زمان حال مکلف به انجام چنین کاری دانست.

مراجع

[1] International Labour Organization. (1998), "ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work and its Follow-Up," Adopted at the 86th Session of the International Labour Conference, Geneva, Switzerland; For more detailed analyses see:

برونستین، الف. (۱۳۹۳)، «حقوق بین الملل و تطبیقی کار»، ترجمه سعیدرضا ابدی و اصلی عباسی، دراک، تهران.

[2] Fudge, J. (2007), "The New Discourse of Labor Rights from Social to Fundamental Rights," *Comparative Labor Law and Policy Journal*, 29 (1), pp 29-66.

[3] همچنین بنگرید به جمال پور، ح. غرابی، س. ر. (۱۳۹۶)، «اصول بنیادین حقوق کار در نظام حقوقی ایران و سطح بین الملل»، اولین همایش بین المللی فقه و حقوق و وکالت و علوم اجتماعی، دبیرخانه دائمی کنفرانس، همدان، ایران، ۲۲ تیر.

[4] See Polaski, S. (2004), "Protecting Labor Rights Through Trade Agreements: An Analytical Guide", University of California, USA.

[5] See Alston, P. and Heenan, J. (2004), "Shrinking the International Labor Code: An Unintended Consequence of the 1998 ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work", Center for Human Rights and Global Justice, USA.

[6] فرجی کریمی پور، الف. (۱۳۸۰)، «مبانی حقوق بنیادین کار و مقایسه آن با موازین بین المللی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

[7] Belser, P. and Mehran, F. (2005), "ILO Minimum Estimate of Forced Labour in the World", International Labour Office, Switzerland.

[8] جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۹۴)، «ترمینولوژی حقوق»، گنج دانش، تهران.

[9] Swepston, L. (2014), "Forced and Compulsory Labour in International Human Rights Law," Paper presented at the Conference Shaping the Definition of Human Trafficking held at Dickson Poon School of Law, King's College London.

[10] Lerche, J. (2007), "A Global Alliance against Forced Labour? Unfree Labour and Neo-Liberal Globalization and the International Labour Organization," *Journal of Agrarian Change*, 7 (4), pp 425-452.

[11] Maul, D. R. (2007), "The International Labor Organization and the Struggle against Forced Labour from 1919 to the Present," *Labor History*, 48 (4), pp 477-500.

[12] لطفی عزیز، الف. (۱۳۹۲)، «بررسی میزان مطابقت منع کار اجباری در حقوق کار ایران در مقایسه با موازین حقوق بین المللی کار»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز.

[13] عباسی کلی، ر. (۱۳۹۶)، «منع کار اجباری در حقوق کار ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، صفادشت.